

وابستگی متربی به مربی

وابستگی متربی به مربی

به تاریخ: ۹۳/۸- ویرایش: دانش آموز



رفعتی: درمورد وابستگی متربی به مربی بحث شده آیا؟

مرزوقی: تا اون جایی که به ذهنم میرسه ،آره، فکر کنم بحث شده،ولی دانش آموز بیشتر در جریان نه

دانش آموز: وابستگی مربی به متربی بحث شده... اما متربی به مربی نه

امیر: دل متربی رو نباید شکست. شاید کمبود محبت داره . شاید دیدن شما اون رو یاد خدا بیامرزمی اندازه خلاصه خودتونو جای اون بزارید

سیلاوی: چند روز پیش سرگروه جدیدی به گروهم معرفی شد اما برخی از اعضا گریه می کردند

امیر: اصلا چرا همه چیز رو مشکل ببینیم همین وابستگی کلی برکات داره

براتی: افراط در هر چیزی مذموم است حتی محبت افراطی و وابستگی!

امیر : افراط را تعریف کنید. این مفاهیم نسبی هستند

براتی: محبتی رو افراطی میگویند که در عرض محبت خدا باشد مثلا متری مسجد میاد چون مربی اون مسجد میاد واگه یه روز مربی نیاد او هم مسجد رو ترک میکنه !

امیر : حالا افراط در محبت طولی را تعریف کنید

براتی: در مقابل تعریفی که شد دیگه ! یعنی کنترل داشتن! مربی رو دوست داره ولی نه انقدر که حتی عبادتش رو هم به خاطر اون انجام بده یا مربی رو بر پدر و مادرش ترجیح بده و...

مغربنا : محبت لازمه کار تربیتی است البته در هر کاری زیاده روی باعث آسیب به ولی اصل محبت و وابستگی لازمه کاره . چون تا متری وابسته نباشه حرف مربی رو خریدار نیست

صادقی: محبت عرضی(به قول شما) برای اون زمانیکه متری(به قول دانش آموز)هنوز به محبت خدا نرسیده، اشکال داره؟ شما چطور میخوای بدون محبت به مربی، اونو برسونی به محبت خدا؟

امیر : محبت در طول محبت خدا محدودیت نداره و مطلقه

رفعتی: اقا بحث نکنید باشه برا فردا، من تو این قضیه خیلی حرف دارم ولی الان نمیتونم

صادقی: به قول علامه، از ایستگاه خودشون سوارشون کنید، ولی اون ایستگاهی که خودتون میخواین(خدا) پیادش کنید...

سیلاوی: عالی

امیر : محبت فوق ابزارهای مربیه همیشه بگی استفاده نکن

براتی: بله قبوله در طول محبت خدا اشکال نداره !

امیر : در عرض محبت خدا باشه که شرکه

براتی: ولی این روش که محبت افراطی باشه و بعد برسه به خدا خطرناکه معلوم نیست جواب بده شهید مطهری کتاب جاذبه و دافعه !

صادقی: درسته

صادقی: برای همین بعضی از علما میگویند که مربی، باید مجتهد باشه!

متقی و...

امیر : محبت افراطی در عرض مشکل داره و کمش هم زیاده اما اون دومی نا محدوده

امیر : مهربانی به معنی بی قانونی نیست. مهربانی داریم، قاعده و ضابطه هم داریم.

براتی: محبت مربی نباید مانع محبت های بالاتر بشه !! البته این مربی باید خیلی خود ساخته باشه یعنی با این که مربی به اون وابسته شده ولی در باطن و ظاهر مربی رو به خودش نخونه واسطه باشه برای اتصال به بالا !

امیر : دلیل محدود کردن محبت به خاطر نا خالصی های مربیه دیگه!!

امیر : نا خالصی مربی قضیه رو گل آلود می کنه

براتی: دقیقا

امیر : مربی باید خودش رو بشناسه و کار دست خودش نده . و به اندازه تقوای خودش محبت کنه

امیر : به خاطر بهشت دیگران قرار نیست خودمون جهنمی بشیم

براتی: حالا اگه ناخواسته این محبت ایجاد شد؟؟؟؟

امیر : محبت غیر الهی ؟

امیر : تکلیفش مشخصه

براتی: بله ولی شیوه مشخص نیست چون مربی نابود میشه اگه اشتباه کنیم !

امیر : اگر مربی خطایی کرده باشه به جای محبت حقیقی محبت مجازی کنه . جهنمش خنک تره

جبارات: مربی وظیفه اش اینه که محبت الهی رو به بچه های گروهش بچشونه

جبارات: یجور واسطه هست باید توجه داشته باشه که فقط ی واسطه هست

امیر : یعنی به جای معانقه و مصافحه بره تو واتساپ عرض ادب کنه!!

مرزوقی: سلام. قرآن پیامبر را پیامبر رحمت معرفی کرده و توی سوره ال عمران به پیامبر می فرمایند که اگر تند خو و سخت دل بودی از کنارت پراکنده می شدند

امام علی ع حکمت 50، دل های مردم فراری و گریزان هستند و به کسی روی خواهند آورد که الفت داشته باشه

دوست عزیزمون کتاب جاذبه و دافعه رو اسم آوردن، پیشنهاد می کنم یه بار دیگه با دقت خونده بشه چرا که جوابهای بحث محبت از تربی و به تربی اونجاست ولی فقط یه جمله از شهید میگم که فکر نکنیم شهید محبت زیاد رو نفی کرده

عشق یعنی به شدت رسیدن علاقه، عشق اکسیر و کیمیا نامیده شده چراکه نیروی تبدیل دارد و اگر در جهت علوی متصاعد شود کرامت و خرق عادت پدید می آورد- خرق عادت که امام حسن عسکری می فرمایند اگر معتاد رو کاری کردی که از عادتش دست برداره معجزه کردی- عشق تصفیه گر است

پس محبت زیادی مشکلی نداره، مشکل جایی هست که علوی نباشه و ما هم نمیتونیم بگیریم که اصلا نمی تونیم و این توانایی رو نداریم که این محبت رو به سمت علوی و خدایی سوق بدیم. ببخشید طولانی صد، ولی یه پیشنهاد دارم به دانش آموز

به جای اینکه بحث کنیم بریم دو تا کتاب رو بخونیم
اول جاذبه و دافعه رو اون هم با دقت و خط به خط
دوم کتاب مسئولیت و سازندگی علی صفایی حاءری

رفعتی: درمورد وابستگی تربی به مربی

1- این اتفاق نتیجه محبت اشتباهه
2- از عواقب بدی که داره باعث جدایی تربی از مسجد میشه یعنی مثلا مربی دیگه وقت نمیکنه بیاد مسجد تربی هم میگه حالا که فلانی نیست من دیگه نمیرم

3- این فرایند عملا الگو سازی اشتباه رخ میده یعنی الگوی عملی تربی میشه مربی که بسیار خطرناکه

4- این وابستگی بعد از مدتی دوطرفه میشه که افات وابستگی تربی به مربی بحث شده قبلا

این مقداری از تجربیات شخصی بنده بود باز اگر وقت شد ادامه اش رو هم مینویسم

- دانش آموز مسلمان: اگر وابستگی محبتی هم نباشه که الگوپذیری شکل نمی گیره...

مثال ما و اهل بیت هم همینه.. محبت و وابستگی منجر به الگوگیری

رفعتی: محبت مربی نه بعنوان برادر بزرگتر، نه مثل دوست صمیمی، نه مثل پدر(!!!)، نه مثل معلم یا فرد غریبه است، بلکه محبت باید تربیتی باشد یعنی مربی گونه محبت بشه
حدود محبت رو هم مقداری بحث شد بقیه اش رو هم یک جمع و جوری بکنم
اطلاعا تمو میگم

دانش آموز : محبت واقعی به نظرم انواع نداره...
در مثال ما ' محبت و علاقه ما و اهل بیت (ع) هم تربیتیه هم خانوادگی می دونیمش.. خیلی تفاوتی ندارن.

رفعتی: د؛ مربی مقاصد و کمالات و همچنین ارزشها و تکالیف را می‌نمایاند، خطرات و موانع را گوشزد می‌سازد، اولویت‌ها را در مقام تراحم روشن می‌کند و علائم تشخیصی را معلوم می‌سازد. همچنین با تذکر و موعظه، تشویق و دلگرم سازی، ایجاد تمرکز، امیدبخشی، ارائه الگوهای موفق، الزام و عتاب و فراهم کردن حلقه صالحان به مربی انگیزه حرکت می‌دهد. نقاط قوت و کاستی‌ها و رذائل اخلاقی او را تشخیص می‌دهد، مشکلات کلیدی او را می‌یابد و می‌تواند به خوبی در این موارد ریشه‌یابی کند. پس از آن با ارائه راه‌کارهای موردی و مصداقی، یعنی برنامه متناسب، با ویژگی‌ها و شرایط مربی، او را به سوی سلامت اخلاقی و سپس کمال و تعالی سوق می‌دهد.
علاوه بر این او را در مسیر حرکت وانمی‌گذارد و مشفقانه همراهی می‌کند؛ یعنی با نظارت مستمر بر اجرای صحیح برنامه، و مطالبه و ارزیابی فعالیت‌های مربی در جریان حرکت او قرار می‌گیرد و هرگاه متوجه تصمیم یا روش نادرستی از ناحیه او شد، تذکرات لازم را به او می‌دهد و یا در بسته دستورات خود تغییرات لازم را اعمال می‌کند.
مربی باید روال تربیت را به سوی استقلال مربی راهبری کند و از وابستگی دائم او به خود بکاهد. اگر قرار باشد فرایند تربیت تا ابد زیر نظر مربی ادامه داشته باشد، جریان تربیت با خطر جدی مواجه خواهد شد؛ چرا که مربی همواره همراه مربی نیست. بنابراین لازم است جریان تربیت به سمتی هدایت شود که ضرورت مراجعه به مربی آرام آرام کم شود و مربی بتواند مسیر رشد را مستقلاً طی کند.
در آموزه‌های اسلامی علاوه بر بیان معارف والای اخلاقی بر نقش الگو در تربیت نیز تأکید شده است. الگو تجسم عینی کمالاتی است که انسان در پی آن است. مربی علاوه بر معرفی الگوهای مناسب، خود نیز در جایگاهی است که خواسته و ناخواسته، با رفتار و گفتار در مقابل دیدگان مربی قرار دارد و بر جان الهام‌پذیر او اثر می‌گذارد. هرچه محبت و ارادت مربی به او بیشتر باشد، الگوبرداری از رفتار و

شخصیت او بیشتر و تأثیرات او در جان مربی عمیقتر است.

رفعتی: درمورد انواع محبت حرفتون کاملاً اشتباهه . الان درحال طی
طریقم نمیتونم بنویسم چراشو

دانش آموز : حرفم رو اصلاح میکنم...

برای اول کار یا برای متربیان خردسال ' به واسطه هم نیاز به محبت
و هم نیاز به الگو ' باید محبت و وابستگی ایجاد بشه که مربی این
مسیر رو از مربی یاد بگیره... و در ادامه این وابستگی تبدیل به
شناخت و علاقه به خود راه و هدف بشه ' نه شخص مربی